

باز هم پاییز اومده همون مسافر
همیشگی هر سال که کوله
بارش پر از دلتنگی و بارونه،
بارونی که چتر و نیمکت
نمی‌خواهد، فقط په کوچه
بی‌انتها و پر از برگ‌های پاییزی
می‌خواهد که با چشم‌های بسته
برگ‌هایش را زیر پاهایت له
کنی، و فقط به صدای خش
خش آنها که بهترین موزیک
طبیعی ست گوش جان سپرد...



«خانه‌ی دوست کجاست؟» در
فلق بود که پرسید سوار.
آسمان مکثی کرد.
رهگذر شاخه‌ی نوری که به لب
داشت به تاریکی‌ش‌ها بخشید
و به انگشت نشان داد سپیداری
و گفت:

۵

پاییز را به کامم شیرین کن

۱۰

خانه‌ی دوست کجاست؟

گردهمایی دانشجویان ورودی جدید



۲ مراسم نوحه‌سرایی و سینه‌زنی هیئت
عزاداری دانشگاه تربیت مدرس

۳ نقش جریان مذهبی (پیش از
رضاخان)

۴ ناامیدی و خودکشی در برابر
امیدواری و خودشکوفایی

۶ امتحان‌های سخت ما...

۷ طنز امپراتوری قانون‌گریزی

۸ دیگه چه خبر ... ؟

۹ زیباترین معنی عشق

۱۱ عصر شهریار

۱۲ ذره بین

اراده الهی بر بقای شور حسینی در طول تاریخ



مسئول نهاد نمایندگی مقام رهبری در جلسه شورای دانشگاه ضمن تسلیت ایام عزاداری سید و سالار شهیدان و حماسه عاشورا به علت بقای این حماسه بزرگ اشاره کرد و گفت: عده‌ای این سؤال را مطرح می‌کنند که چرا دهه اول محرم این قدر اصرار بر عزاداری باشکوه هست؟ آیا نمی‌شود آن را نداشت یا کم کرد؟ در علت‌یابی بقای حماسه عاشورا باید به مقایسه‌ای بین قرآن و عترت بپردازیم. ایشان ضمن بر شمردن برخی از ویژگی‌های قرآن کریم و تطبیق آن با عترت و به ویژه امام حسین (علیه السلام) افزود: از بین همه این ویژگی‌ها دو دوران‌ها و نیز ماندگاری بیش از دیگر ویژگی‌ها برجسته است و به چشم می‌آید. همانگونه که قرآن هیچ‌گاه کهنگی نمی‌پذیرد و ما به هر میزان بیشتر قرآن را می‌خوانیم و یک سوره آن را تکرار می‌کنیم هیچ‌گاه احساس

نمی‌کنیم که کهنه است. در حماسه عاشورا نیز با ذکر مصائب حضرت هیچ‌گاه احساس کهنگی و تکرار نداریم. ایشان درباره ویژگی دوم گفت: همانگونه که خداوند اراده کرده است که قرآن بماند و حتی یک حرف آن کم و زیاد نشود در حماسه عاشورا نیز خداوند اراده کرده است که بماند. این دست

این حماسه عظیم به آن گرایش پیدا کرده‌اند و خود را در معرض فضایل آن قرار داده‌اند نکند ما در این زمینه عقب بمانیم.

دکتر فلاح رفیع در پایان به همه مدیران دانشگاه توصیه کرد با مشارکت در این مراسم هم فیض این مجالس محروم نماییم و هم موجب تشویق دیگران باشیم تا فضیلت مشارکت دیگران برای ما نیز نوشته شود.

شناخت ائمه ما به ویژه حماسه بزرگ عاشورا و امام حسین (علیه السلام) مجذوب این حماسه شوند. اما ما خدای ناکرده بر اثر القائات و شبهات عقب بمانیم. در این زمینه باید با افتخار به پیش برویم و فعالانه نیز به پیش برویم نه منفعلانه.

مسئول نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه ادامه داد: دیگران حتی غیر مسلمانان اعم از اندیشمندان و انسان‌های عادی پس از آشنایی با

قفسه‌های گرد خورده که بسیار بسیار اندک به آن مراجعه می‌شود.

ایشان ضمن اشاره به یک نکته گفت: این نکته هم مهم است که همانطور که امام علی (علیه السلام) درباره قرآن می‌فرماید؛ خدا را خدا را درباره قرآن. خدا را درباره قرآن در نظر بگیرد. نکند که دیگران در عمل به قرآن بر شما پیشی بگیرند. درباره ائمه (علیهم السلام) نیز واقعیت همینطور است که چه بسا دیگرانی که شیعه و حتی مسلمان هم نیستند اما با

ما نیست که بخواهیم این حماسه بماند یا نماند. ایشان ضمن مقایسه‌ای بین حماسه عاشورا و شهداء آن با حوادث و وقایع به ظاهر بسیار بزرگتر در طول تاریخ قبل و بعد از حماسه عاشورا، مثل قیام توابین، قیام مختار، مثل قیام طف و شهداء آن تا دهها میلیون کشته در جنگ‌های جهانی گفت: هیچ یک از اینها در تاریخ نمانده است، مگر در کتابخانه‌ها و



مراسم شب‌های پایانی دهه اول محرم

مراسم سوگواری ابا عبدالله الحسین (علیه السلام) که در دهه اول محرم در مسجد دانشگاه تربیت مدرس از شب اول آغاز شده بود در شب‌های نهم تا یازدهم محرم با سخنرانی حجت الاسلام دکتر فلاح رفیع و مداحی و روضه خوانی حاج سید مهدی حسینی در مسجد قدس دانشگاه ادامه یافت.

این مراسم طبق روال شب‌های گذشته پس از اقامه نماز مغرب و عشاء، با قرائت زیارت عاشورا و تلاوت آیاتی از قرآن کریم آغاز شد. سخنران شب‌های نهم تا یازدهم حجت الاسلام والمسلمین دکتر فلاح رفیع بود. وی سخنان خود را به موضوع حماسه عاشورا در آیین قرآن کریم اختصاص دادند. از جمله مطالب عنوان شده در این سخنرانی‌ها چگونگی بهره‌گیری از حماسه عاشورا برای رشد و تعالی روحی معنوی در ساحت‌های فردی و اجتماعی بود. دکتر فلاح رفیع سخنان خود را با استناد به آیات و روایات و مستندات تاریخی و شواهد روز برای مستمعین بسط دادند. پس از مراسم سخنرانی، مداح اهل بیت (علیه السلام) حاج سید مهدی حسینی به مرثیه خوانی و مدیحه سرایی پرداختند و عاشقان سید الشهداء، هم‌نوا باهم با عزاداری و سینه زنی ارادت خود را به محضر سید و سالار شهیدان ابا عبدالله الحسین (علیه السلام) عرضه داشتند. در پایان این مراسم که با استقبال پرشور دانشگاهیان همراه بود، عزاداران بر سر سفره اطعام ابا عبدالله الحسین (علیه السلام) پذیرایی شدند. گفتنی است در سال جاری هیئت محبین که متشکل از دانشجویان بود، تهیه غذا و پذیرایی از عزاداران را به عهده داشت؛ چیزی که در سال‌های قبل به عهده معاونت دانشجویی دانشگاه نهاده می‌شد.

مراسم نوحه سرایی و سینه زنی هیئت عزاداری دانشگاه تربیت مدرس



سخنرانی‌ها که به تبیین حادثه کربلا و تطبیق آن با شرایط روز اختصاص داشت، صدها نفر را از داخل و خارج دانشگاه به خود جذب کرده بود.

گفتنی است در طول ایام دهه اول محرم الحرام و هم‌زمان با مراسمات غرفه‌های عرضه محصولات فرهنگی و ایستگاه صلواتی جهت پذیرایی از عزاداران برپا بوده و هر شب پس از مراسم سخنرانی و مداحی که با استقبال دانشگاهیان اعم از استادان، دانشجویان و کارکنان همراه بوده، عزاداران میهمان سفره احسان حسینی می‌باشند.



نخست این ویژه برنامه‌ها حجت الاسلام تسلیمی سخنانی را در خصوص عاشورا و وقایع کربلا ایراد نمودند. گفتنی است ذاکران اهل بیت (علیهم السلام) آقایان حاج امیرحسین محمودیان و حاج امیر کاتوزیان نیز در روزهای پنجم و ششم محرم به مدیحه سرایی و ذکر مصیبت شهدای کربلا پرداختند.

شایان ذکر است که هر شب نیز بعد از نماز مغرب و عشاء مراسم عزاداری در مسجد دانشگاه برگزار می‌گردد، برنامه شب‌ها بدین قرار است که حاضرین پس از اقامه نماز، به خواندن زیارت عاشورا و عرض ادب به ساحت مقدس حضرت سیدالشهداء ابا عبدالله (علیه السلام) می‌پردازند. سپس مجلس با سخنرانی در زمینه حماسه عاشورا و ابعاد آن ادامه می‌یابد. پس از سخنرانی، مراسم عزاداری ابا عبدالله (علیه السلام) و یاران باوفای آن حضرت با نوای مداح اهل بیت حاج مهدی حسینی برگزار می‌شود. سخنران سه شب اول این مراسم حجت الاسلام درانی و شب چهارم نیز حجت الاسلام غیاث بودند و شب پنجم تا هشتم نیز حجت الاسلام اسدی کیادهی به ایراد سخن پرداختند. لازم به ذکر است این

همچون سنوات پیشین امسال نیز در روز هفتم محرم مصادف با دوشنبه ۲۶ شهریورماه دوستداران اهل بیت (علیهم السلام) و عاشقان سید و سالار شهیدان ابا عبدالله الحسین (علیه السلام) یک بار دیگر در مقبره شهدای گمنام گرد هم آمدند و حرکت خود از آنجا به خارج از دانشگاه و در خیابان‌های اطراف آغاز کردند.

عزاداران در طول مسیر ضمن عزاداری و سینه زنی و عرض ارادت به ساحت پاک و مقدس شهدای کربلا مورد استقبال و پذیرایی نذردهندگان حسینی قرار گرفتند. در ادامه نیز دانشگاهیان با بازگشت به محوطه مسجد قدس دانشگاه با سینه زنی و نوحه سرایی حال و هوایی عاشورایی به مراسم بخشیدند. پایان بخش این حرکت عاشورائی و معنوی اقامه نماز جماعت و پذیرایی بر سر سفره ابا عبدالله الحسین (علیه السلام) بود.

لازم به یادآوری است که مراسم سخنرانی و نوحه سرایی از ابتدای محرم الحرام همه روزه بعد از نماز ظهر و عصر برگزار می‌شود که در ۲ روز

توسط علما صرفاً به پاسخگویی در برابر شبهات ابراز شده از سوی جریان روشنفکری محدود نمی‌شد بلکه آنها مباحثاتی درون متنی و درون گفتمانی در باب لوازم فقهی دولت مدرن با یکدیگر داشته‌اند که از آنها می‌توان به دورساله احیاء‌الملله شیخ حسین اهری بوشهری و رساله‌ای به نام مقاله سوال و جواب در فواید مجلس تالیف حاج سید نصرالله تقوی و همچنین رساله کشف المراد من المشروطه و استبداد نوشته محمد حسین بن علی‌اکبر تبریزی اشاره کرد که به ترتیب در تأیید و تقبیح شکل‌گیری دولت مشروطه و یا به عبارتی دولت مدرن در ایران پرداخته‌اند.

ادامه دارد

گردهمایی دانشجویان ورودی جدید



گردهمایی دانشجویان ورودی جدید با حضور رئیس و معاونین دانشگاه، مسئول نهاد نمایندگی رهبری، اساتید و دانشجویان روز سه شنبه دهم مهرماه در سالن اجتماعات شهید چمران برگزار شد.

دکتر احمدی رئیس دانشگاه طی سخنانی در جمع پذیرفته شدگان جدید، به نقش دانشجویان تحصیلات تکمیلی در رشد علمی کشور اشاره و از آنان خواست با جسارت، شجاعت، پویایی و تلاش به ماجراجویی‌های بزرگ علمی دست زنند و برای حل مشکلات جامعه و اعتلای کشور بدون توجه به بدگویی رسانه‌ها و برخی افراد خاص، امید را در خود تقویت کرده و با اعتماد به نفس طرحی نو دراندازند.

دکتر فلاح رفیع نیز در بخشی از این گردهمایی به اهمیت مدیریت فضای مجازی اشاره کرد و یادآور شد دنیای مجازی نه تنها انسان را باسواد نمی‌کند بلکه آنها را سطحی‌بار می‌آورد. اطلاعات موجود در فضای مجازی بدون تفکر و پردازش صحیح، افراد و جامعه را دچار آسیب‌های گوناگون می‌کند.

گردهمایی دانشجویان ورودی جدید با اهدای لوح تقدیر به دانشجویان نمونه و برگزیده دانشگاه و اجرای برنامه موسیقی سنتی به پایان رسید.

نقش جریان مذهبی (پیش از رضاخان)

در زمینه‌سازی شکل‌گیری دولت مدرن در ایران



لازمه رفاه، امنیت یا ترقی مسلمانان باشد واجب می‌گردد.

بدیهی است که حکومت دموکراتیک برای آشکارکردن خواست حکومت شوندگان باید دارای دستگاهی محدود و با ثبات باشد و قوانین اساسی دموکراتیک نوشته شده (مکتوب) این وظیفه را عملی می‌کند. آیزن اشتاد در مقاله‌ای که در سال ۱۹۹۵ منتشر کرده است چهار شرط اجتماعی و ساختاری استقلال نسبی حوزه اجتماعی از دولت، دسترسی آزاد به مقامات دولتی، داشتن یک تریبون مستقل و سرانجام برخورداری از حمایت قانون را برای تحقق جامعه مدنی نیرومند ترسیم می‌کند. بر این اساس علمای شیعه با برخورداری از تمام شرایط مذکور به تنهایی می‌توانستند جامعه مدنی ایران را مدیریت و سامان‌دهی کنند و به تعبیر بهتر علمای شیعه به واسطه استقلال اقتصادی از دولت که حاصل دریافت مستقل از وجوعات شرعی بود و در اختیار داشتن منابع به مثابه تریبون مستقل برای بسیج توده‌های مردم و همچنین اختیار انحصاری تفسیر شریعت به عنوان برخورداری از قدرت قانون‌گذاری و در عین حال قدرت دسترسی بالا به مقامات حاکم می‌توانستند در صورت لزوم منویات خود را به راحتی پیگیری و در صورت لزوم دولت را نامشروع جلوه دهند. چنان که در دو جنگ ایران و روس و در جریان جنبش تنباکو چنین کردند. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که علما هم به لحاظ جامعه‌شناختی و هم به لحاظ نظری و فکری در فرایند شکل‌گیری دولت مدرن در ایران نقش‌آفرینی کرده‌اند. مباحث مطروحه

وینست درک صحیح از آن مستلزم آشنایی با عناصر دولت مشروطه است. گرچه سخن از تأثیرگذاری روحانیون در شکل‌گیری دولت مدرن در ایران بیش از هر چیز، آن را در مقابل دیدگاه تک‌خطی توسعه قرار می‌دهد که میان رسیدن به دموکراسی و انفکاک اجتماعی از باورها، ارزش‌ها و دانش‌های سنتی ملازمه ذاتی قائل است. اما همان‌گونه که تحولات اجتماعی همچون جنگ‌ها و انقلاب‌ها از منظر تحولات اندیشه بررسی می‌شود و افرادی همچون کوئنتین اسکینر به خوبی نشان می‌دهند که نظریاتی چون نئورومن در آغاز دوران مدرن بریتانیا رخ نمود. تأثیر جریان‌های فکری مذهبی بر ظهور و گسترش پدیده‌های مدرن برجسته گشته و تفسیر ما را از چنین ارزش‌هایی شکل می‌دهد.

نقش روحانیون و نیروهای مذهبی در فرایند شکل‌گیری دولت در ایران از دو منظر قابل بررسی است. ۱. منظر اندیشه‌ای یا وجه فکری، نظری ۲. جامعه‌شناختی یا بسیج سیاسی.

گرچه تصور قالب بر آن است که وجودساز و کار اجتهادی در مکتب امامیه جایگاه عالم دینی را در امور سیاسی ارتقاء می‌دهد. اما باید اذعان کرد که این مکتب به لحاظ فکری از پتانسیل خوبی برای الگوسازی از مفاهیم مدرن برخوردار بود. اصولی‌ها همچون نائینی مقدمه را پیش شرط یک عمل می‌دانستند و ضمن تقسیم آن به دو قسم درونی (مقوم ذاتی یک عمل) و بیرونی (عامل خارجی ایجادکننده یا تسهیل‌کننده اجرای آن عمل) معتقدند که اخذ و انطباق یک قانون اساسی وقتی که پیش شرط و



سامیار لایقی

دانشجوی کارشناسی ارشد علوم سیاسی
دانشگاه تربیت مدرس

قسمت اول

مقدمه

دولت مدرن از لوازم اصلی حرکت یک جامعه به سمت توسعه به شمار می‌رود. برای ایجاد، هدایت، و کنترل دولت مدرن؛ به عوامل مختلفی همچون نهادها، افراد، گروه‌ها، تکنولوژی‌ها و... نیاز است. یکی از گروه‌هایی که در ایجاد دولت‌مدرن نقش به‌سزایی را ایفا کردند روحانیون بودند که در ادامه مطلب به توضیح آن خواهیم پرداخت.

دولت عالی‌ترین مظهر رابطه قدرت و حاکمیتی است که در همه جوامع وجود داشته است مهم‌ترین وجه حاکمیت دولت وضع و اجرای قوانین در جامعه است قدرت منبع مورد استفاده دولت، حکومت مجموعه نهادها لازم برای اجرای حاکمیت و اخذ تصمیم و سیاست مجموعه اعمال دولت است. تحلیل و بررسی تعریف‌ها و واقعیت دولت کاملاً نشان می‌دهد عناصری وجود دارد که برای موجودیت و حفظ دولت بنیادی است. عنصرهای بنیادی دولت عبارت است از:

۱. مردم و جمعیت ۲. سرزمین ۳. حکومت یا سازمان ۴. حاکمیت. رابطه میان روحانیون مذهبی و سیاست و حکومت در سطوح و درجات مختلف و متنوع قابل تصور است. به طور کلی احتمال دخالت روحانیون در سیاست به طور مستقیم به عوامل چندی بستگی دارد ۱. هر چه داعیه‌های سیاسی و اجتماعی مذهب بیشتر باشد احتمال دخالت روحانیون در زندگی سیاسی بیشتر می‌شود ۲. هر چه روحانیون یک مذهب به عنوان یک نیروی سیاسی از نظر تاریخی، موقعیت ممتاز و قوت بیشتری داشته باشند احتمال دخالت مستقیم و گسترده آنها در سیاست افزایش می‌یابد ۳. هر چه امکان تعبیر و تفسیرپذیری مذهب و تطبیق آن با شرایط متحول تاریخی بیشتر باشد توانایی روحانیون برای مداخله مستقیم در سیاست افزایش می‌یابد ۴. هر چه نهادهای مذهبی سازمان یافته‌تر و منسجم‌تر باشد توانایی روحانیون برای دخالت در سیاست بیشتر می‌شود. گرچه دولت مطلقه نخستین گونه از اشکال دولت مدرن بر مبنای مولفه‌های چهارگانه است، اما به باور اندیشمندی مانند



نامیدی و خودکشی در برابر امیدواری و خودشکوفایی

بزرگترین گناه، نامیدی از رحمت خداست.

برای بروز هر مشکلی، دلایل و شرایطی وجود دارد که اگر این شرایط کنار هم قرار بگیرد احتمال بروز آن مشکل به مراتب بالاتر می‌رود. مشکل مهلک خودکشی نیز از این قاعده مستثنی نیست ولی می‌توان بین این موارد یک مورد را پوشش‌دهنده‌ی همه‌ی این موارد دانست و آن "نامیدی" است. فردی که به معنای دقیق کلمه از آینده و شرایط پیش رو ناامید است، حتی اگر شرایطی بسیار بحرانی هم نداشته باشد، احتمال اینکه مرتکب این فعل مهلک شود، زیاد است ولی اگر فردی با تمام مشکلات ریز و درشت، امید به زندگی و امید به آینده داشته باشد، زندگی را بدون خطر آسیب رساندن به خود ادامه می‌دهد و باعث رشد و خودشکوفایی خود می‌شود.

امیدداشتن و نامیدی در دوسر یک طیف قرار دارند که می‌توان با توجه به اینکه شخص در کدام قسمت این طیف قرار دارد خصوصیات دیگر فرد را شناسایی کرد که شاید بتوان گفت این خصوصیات و اینکه شخص در کدام قسمت این طیف قرار دارد، با هم همپوشانی دارند. مواردی که برای نامیدی می‌توان در نظر گرفت؛ افسردگی، فقدان برنامه یا هدف، عزت نفس پایین، غیرمذهبی بودن، زندگی در تنهایی، بیکاری، اضطراب و سراسیمگی، طلاق - جدایی - مجرد و موارد دیگر دانست. فردی که دچار افسردگی شده با تحریف‌شناختی، دنیا و شرایط پیش رو را مکانی غیرقابل کنترل دانسته و خود را منفعل و شکست خورده‌ی میدان می‌داند. تحریف‌شناختی فرایندی ذهنی است که باعث تغییر در نحوه‌ی فکر کردن خارج از حالت واقعی می‌شود یعنی شخص رویداد پیش رو را به نحوی که دوراز واقعیت است، معنی می‌کند. چه چیزی باعث ایجاد تحریف‌شناختی در افراد افسرده می‌شود؟ و سؤال اینجاست که تحریف‌شناختی در افراد افسرده و ناامید، کی و چه زمانی ایجاد می‌شود؟ آیا تا به حال با خود اندیشیده‌اید که چرا افراد امیدوار با سبکی متفاوت از افراد ناامید فکر و رفتار می‌کنند؟ این تفاوت بین افراد، از بدو تولد و کودکی به وسیله‌ی نوع بازخوردی که کودک از اطرافیان می‌گیرد، باعث می‌شود. اگر از همان آغاز کودکی، اطرافیان کودک را در شرایط ناامیدکننده قرار ندهند و اتفاقاً برعکس باعث رشد فعالیت

کودک در شرایط چالش برانگیز شوند، کودک می‌آموزد که در هر شرایطی می‌تواند عکس‌العملی موافق با شرایط از خود نشان دهد و با موفقیت از چالش پیش‌رو گذر کند. و امیدواری به مرور زمان در فرد پرورش می‌یابد. ولی اگر کودک با شرایط ناامیدکننده روبرو شود به مرور زمان توانایی خود را بر کنترل شرایط از دست داده و این باور غلط در فرد ایجاد می‌شود که نمی‌توان بر شرایط کنترل داشت و گرفتار در خود ماندگی می‌شود و این شخص دیدی ناامید به آینده خواهد داشت.

فردی که برای آینده‌ی پیش رو برنامه یا هدفی ندارد بدون هیچ انگیزه و هدفی حرکت کرده و این شخص نمی‌تواند سازگاری لازم را با چالش‌های پیش رو به‌دست آورد. درمقابل افرادی قرار دارند که برای زندگی خود هدف و مقصدی نهایی را در نظر گرفته‌اند و برای رسیدن به آن هدف نهایی، برنامه‌ریزی می‌کنند تا به مرور زمان و گام به گام خود را به خواسته‌ی نهایی خویش برسانند. این افراد به توانایی‌های خود ایمان دارند و با توجه به توانایی‌ها و نقاط قوت خود، برنامه‌ای را پی‌ریزی می‌کنند و درنهایت موفق می‌شوند. ولی افراد ناامید خود را ناتوان دانسته و هیچ برنامه و هدفی ندارند و فقط رویاها و آرزوهایی در سر می‌پروراند که هیچ وقت به آن آرزوها نمی‌رسند و بیشتر و بیشتر ناامید می‌شوند.

فردی که خود را بدون خالق تصور می‌کند و خود را متعلق به خالقی توانا و بی‌نیاز نمی‌داند و درکل غیرمذهبی است، در شرایط سخت و ناگوار نمی‌تواند قدرت لازم را برای رهایی از سختی‌ها داشته باشد. ولی افراد معتقد به خالق هستی در پستی و بلندی زندگی بر خدای خود توکل کرده و هیچ گاه امید خود را از دست نمی‌دهند و گویا اینطور به نظر می‌رسد که قدرت و توانایی همیشگی در این افراد وجود دارد. فردی که عزت نفس پایین دارد و برای خود و داشته‌هایش ارزشی قائل نیست، هیچگاه خود را لایق رسیدن به مراتب والای یک انسان نمی‌داند و همیشه خود را در مرتبه‌ای پست و بی‌ارزش می‌داند. مسلماً این فرد نطفه امید برای پیشرفت را در خود از بین رد. در مقابل افرادی که برای خود ارزش قائل‌اند و عزت نفس بالا دارند برای رسیدن به مراتب بالا، امیدواری فراوان دارند.

فردی که به تنهایی زندگی می‌کند و

ارتباط جمعی ضعیفی با دیگران دارد، دچار انزوا شده و در مشکلات و شرایطی که باعث ناامیدی می‌شود نمی‌تواند از حمایت اجتماعی و حتی منابع آگاه و کمک رسان در این زمینه، بهره‌ی لازم را ببرد. حال این تنهایی می‌تواند نتیجه‌ی طلاق، جدایی یا مجرد باشد. ولی افرادی که خود را موجودی اجتماعی می‌دانند و برای رهایی از مشکلات فردی و جمعی تلاش می‌کنند، همیشه امیدوار و خوشحال خواهند بود.

فردی که بیکار است و شب و روز خود را به بطالت و بی‌پهودگی می‌گذرانند، به مرور زمان دچار کسالت و یأس و ناامیدی می‌شود. درمقابل افراد امیدوار پرتلاش‌اند و برای شب و روز خود فعالیت را در نظر دارند و از زمان خود به بهترین حالت ممکن برای رشد و پیشرفت بهره می‌برند. همه‌ی این موارد به تنهایی می‌توانند فرد را دچار مشکل و ناامیدی کنند چه بسا اگر این موارد همزمان به وقوع بپیوندند، درجه ناامیدی فراتر رفته و مشکلات فرد طاقت فرساتر می‌شود و چه بسا فرد گرفتار در ناامیدی دست به خودکشی می‌زند. افراد موفق علاوه بر موارد گفته شده، فعالیت‌هایی چون؛ ورزش، تغذیه و خوابی سالم، تفریح و باهم بودن، کار و پویایی، استقلال مالی و فکری و... دارند و این باعث می‌شود اولاً وقت و زمان را به خوبی پر کرده و درنهایت در ذهن خود، بسیاری کار انجام شده‌ی با موفقیت دارند. این افعال گاه‌ها ساده ولی پرمهر، باعث نفع‌های ذهنی و جسمی برای فرد می‌شود. هم در ذهن خود موفقیت‌هایی برای خود برمی‌شمرند هم این ذهنیت باعث رضایت شخص از خودش شده و در سیستم جسمی او نیز تاثیر مثبت دارد و فرد احساس آرامش و راحتی دارد و این چرخه‌ی پویا و سالم، پی در پی باعث موفقیت، شادکامی و امیدواری می‌شود. درست برعکس نحوه‌ی عملکرد چرخه‌ی فعالیت ذهنی - جسمی افراد ناامید. بر فرض مثال فردی که دچار ناامیدی و افسردگی است هیچ یک از این فعالیت‌های روزانه‌ی مثبت را انجام نمی‌دهد و پیوسته در خود و در تنهایی و انزوا با ذهنی آغشته از انفعال و بی‌ثمری و درنهایت بی‌حاصلی و بی‌ارزشی، رنج می‌برد و خود را موجودی بی‌فایده می‌داند و مسلماً این ذهنیت باعث انفعال و افسردگی بیشتر شده و در سیستم جسمی فرد تاثیر سوء می‌گذارد و باعث فشار روانی مفرط روی فرد می‌شود که این فشار روانی به نوبه‌ی خود باعث تحلیل رفتن

سیستم ایمنی بدن شده و فرد را از نظر جسمی و روانی بیمار و بیمارتر می‌کند. در نتیجه باعث می‌شود فرد گرفتار چرخه‌ی معیوب خودویران‌گری شود و حال فرد با گذر عمر ناخوش‌تر شود. پس واقعه‌ای که در این فرایند به روشنی مشخص است این است که فرد ناامید خود را گرفتار یک چرخه‌ی معیوب کرده و تنها راه رهایی از ناامیدی و شکست‌های پی در پی ایجاد یک انعطاف در یک زمینه است تا شخص لذت موفقیت را در یکی از فعالیت‌هایش بچشد هر چند این فعالیت کوچک و ساده باشد و با انرژی‌ای که از این موفقیت می‌گیرد بتواند گام‌های بعدی را برای موفقیت در زمینه‌های دیگر بردارد و به این صورت است که فرد گرفتار در ناامیدی می‌تواند گام به گام خود را به سمت موفقیت و امیدواری نزدیک کند. که البته به نظر می‌رسد ورزش کردن و در جمع بودن بهترین گزینه برای گام اول است که تاثیرات روانی و جسمی مثبت را با هم به همراه دارد و منبع انرژی خوبی را ایجاد می‌کند. پس می‌توان نتیجه گرفت که اگر شخصی دچار ناامیدی می‌شود، این ناامیدی حاصل انتخاب‌های اشتباه در زمینه‌های متفاوت در زندگی است و گویا فرد گرفتار تسلسل اشتباهات می‌شود که به مرور زمان باعث از بین رفتن فرد می‌شود.

ولی تلاش برای موفقیت در هر زمینه از زندگی باعث امیدواری و حرکتی به سمت موفقیت‌ها در زمینه‌های دیگر شده و شخص را در برابر هجوم یأس و ناامیدی، ایمن می‌کند. انسان کوشا ناامید نمی‌شود توانایی‌های خود را به ورطه‌ی آزمایش می‌گذارد، نقاط قوت و ضعف خود را شناسایی کرده و در نتیجه، امور زندگی را در کنترل خود درمی‌آورد. بلکه موفق واقعی، شخصی است که توانایی‌ها و استعداد‌های خود را شناسایی کرده و با تکیه بر نقاط قوتش، بر ضعف‌ها چیره شده و ناتوانی‌ها را به توانایی‌ها تبدیل می‌کند.

راه حل رهایی از ناامیدی، تلاشی مستمر و باآگاهی است. جامعه‌ای سالم است که افرادی کوشا و امیدوار داشته باشد. به امید روزی که تک تک افراد جامعه استعداد‌های خاص خود را شکوفا کنند.

دنیا به شایستگی‌هایت پاسخ می‌دهد نه به آرزوهایت پس تلاش کن و شایسته‌ی آرزوهایت باش.

کجایند مردان بی ادعا



مائده پورفتح اله

دانشجوی دکتری معماری دانشگاه تربیت مدرس

پاییز را به کامم شیرین کن



سمیه امیری

دانشجوی کارشناسی ارشد مهندسی کشاورزی دانشگاه تربیت مدرس



شده است مبنای شایسته سالاری و هر کس پرمدعتر جایگاهش رفیع تر! همان انسان‌های پرمدعایی که ناسپاسی را پیشه گرفته‌اند و فقط خودشان را شایسته ستایش می‌دانند، گوش‌هایی که شنوا نیست و دل‌هایی که دیگر نفوذناپذیر است. یاد روایت امام صادق (علیه السلام) می‌افتم: "خوشا به حال بنده گمنامی که خدا او را بشناسد و مردم او را نشناسند، آنها چراغ‌های هدایت و سرچشمه‌های دانش هستند، به واسطه آنها هر فتنه تیره و تاری برطرف گردد، آنان نه فاش کننده و پرده بردار از اسرارند و نه ناسپاس، ریاکار و خودنما!" پس گمنامی چه والا است مخصوصاً گمنامی که خدا او را بشناسد.

۱. اصول کافی، جلد ۲، صفحه ۲۲۵

محرم است و نمازخانه دانشگاه سیاه‌پوش، صدای نوای آهنگران بعد از اقامه نماز جماعت در محوطه اطراف دانشگاه می‌پیچد، کجایند مردان بی ادعا! همزمان چشمم به مقبره‌ی شهدای گمنام می‌افتد. چه خوب که هستند. چه خوب که می‌توانیم هر روز یادشان کنیم. کنار مقبره‌شان بنشینیم بی آن که حتی اسم‌شان را بدانیم در دلمان با شهدا صحبت کنیم، پیمان ببندیم و حتی نه، تنها هر روز صبح هنگام گذر سلامی نثارشان کنیم. چرا جامعه امروز ما پر شده است از ادعا! البته دیده‌ام آدم‌هایی را که بی ادعا و بی نام و نشان خدمت می‌کنند اما دیگرانی هم هستند که اجازه خدمت نمی‌دهند و حضور همین آدم‌های خوب را کمرنگ می‌کنند. فکر که می‌کنی همین ادعاها

آقا جان پاییز را بنگر که چه منظر عاشقی‌ست که تمام دارایی‌اش را نثار آمدن تو می‌کند، مولای من دل عاشقش رو در یاب...

صبح که از خواب بیدار می‌شوم اشک‌هایش رو می‌بینم که در فراق زمین را خیس کرده.

پس بر پاییز منت بگذار و بیا مولایم...

هر پاییز در میان تمام دارایی‌اش هم پایانی دارد و هم شروعی، پایان گرمای سوزان تابستان و شروع سرمای سوزان زمستان... کاش در این پاییز رنگ ظهورت گرمی بخش سرمای سوزانش باشد...

و در آخر هم من در کنار پنجره انتظار، در انتظار تو که هستی ولی نمی‌آیی خواهم مرد...

خوشا به خیالی که در خیالت مانده است یا صاحب‌الزمان...

حتی پاییز هم دیگر سایه‌ای ندارد برای دل بی‌پناهم پس بیا و باش پناهم...

پاییز را به کامم شیرین کن با آمدنت یا صاحب‌الزمان...

باز هم پاییز اومده همون مسافر همیشگی هر سال که کوله بارش پر از دلتنگی و بارونه، بارونی که چتر و نیمکت نمی‌خواهد، فقط یه کوچه بی‌انتهای و پر از برگ‌های پاییزی می‌خواهد که با چشم‌های بسته برگ‌هایش را زیر پاهایت له کنی، و فقط به صدای خش خش آنها که بهترین موزیک طبیعی‌ست گوش جان سپرد...

باز هم به تقویم انتظارمان باید جمعه‌های دلگیر پاییزی رو افزود...

جمعه‌های پاییزی رنگ و بوی انتظار و فراق بیشتری می‌دهند، جای کسی در حوالی کوچه باغ‌هایش خالی‌ست، مثل بوی خاک وقت باریدن...

میان خش خش برگ‌های خشک و طلایی پاییز، فقط تویی که هنوز لبریز بهاری مولایم...

مولای من پاییز هم دارد تمام دارایی‌اش را خرج آمدن تو می‌کند و انتظار تو را به دوش می‌کشد، با برگ‌های طلایی رنگش که قصه‌ها دارد خیابان‌ها را فرش می‌کند، با رنگین‌کمان‌هایش آسمان را چراغانی می‌کند و بی‌قرار آمدنت شده است، با بارانش غم و اندوه را از دل منتظرانت می‌زاید و آغوش گرمش را برایت می‌گشاید...

بهترین مطلب را انتخاب کنید:



خوانندگان گرمی چشمه؛ می‌توانید با ارسال عنوان مطلب مورد پسندتان،

بهترین آن را انتخاب نمایید.

سامانه پیامکی: ۳۰۰۰۶۱۳۲۳۰۰۵۳

با ما همراه باشید

امتحان‌های سختِ ما...



محمدعلی حسینی نیک

کارشناسی ارشد مدیریت دولتی

بدو تولد تا به امروز، حتی یک روز آرام را تجربه نکرده‌اند؛ و همه مستضعفین جهان، همه با هم در فشار دنیای کفر گیر کرده‌ایم...

ما را امیدی جز مهدی صاحب‌الزمان (عج) نیست؛ آیا هست؟

خدایا پس کی می‌خواهی «بقیة‌الله» را «بقیه‌ی خود» را به ما بدهی. خدایا ما از تو یک «امام» طلب داریم. برسان امام ما را...

کوفه... کوفیان دیگر اهل کوفه نیستند که «علی (علیه‌السلام)» را تنها بگذارند... این را ثابت کرده‌اند...

«اربعین، ارتش میلیونی‌مان را دیدی؟»...



تاریک‌ترین ساعات شب، درست لحظاتی قبل از طلوع فجر است. و امروز جبهه کفر با تمام دنیایش در برابر ما قرار گرفته است. فتوحات اسلام هم بعد از سخت‌ترین حمله کفار آغاز شد. همه آمده بودند تا ریشه اسلام را از بیخ قطع کنند، ولی مولای ما با تمام دین خویش در برابر تمام کفر آنها ایستاد، بزرگ‌ترین قهرمان‌شان را به زانو در آورد، مسلمین مقاومت کردند تا عصر جدیدی آغاز شد، مکه فتح شد، تمام حجاز زیر بیرق اسلام در آمد و مسیر جهانی شدن اسلام هموار گشت. آری این سنت خداست که نصرت را پس از امتحان قرار داده است: «إن مع العسر یُسرا». باید برای آرامش سختی کشید و برای رسیدن به آرمان ظهور باید بیشتر سختی تحمل کرد. باید امتحان‌ها پس داد تا تیره‌روزی مستضعفین لایق طلای درخشان دوران «ألا یا أهل العالم! أنا بقیة‌الله...» شود. سختی‌ها یکی پس از دیگری می‌آیند.

باید شرایط ظهور آماده گردد تا ظهور محقق شود و قطعاً یکی از مهم‌ترین مولفه‌های ظهور، آمادگی شیعیان است. ما شیعیان باید توانایی اداره حکومت را داشته باشیم. ما سه امام‌مان را با بی‌وفایی تنها گذاشتیم تا دیگر امامان ما صبر کنند؛ صبر کنند برای آمادگی ما. آری این صبر تا به امروز حدود ۱۴ قرن طول کشیده است و ما هنوز آماده نشده‌ایم. ولی عطر خوبی به مشام می‌رسد. ما دیگر پس از نامه به امام‌مان، مهمان خویش را با لب تشنه نکشیم. نه! امروز برادران عزیزتر از جان ما در عراق همه هستی خویش را برای احترام به زائرین اباعبدالله (علیه‌السلام) به میدان می‌آورند. پای تاول‌زده زائرین پیاده حضرت را با بوسه‌های خویش التیام می‌بخشند. هر چه در دنیا دارند را با کرامتی بی‌انتهای تقدیم زائرین فرزند زهرا (سلام‌الله‌علیها) می‌کنند. اربعین که می‌شود، از میان لشکر میلیونی ارباب دو عالم، کسی گرسنه یا تشنه نمی‌ماند. مردم عراق عوض شده‌اند؛ با تکریم زائرین اهل بیت (علیه‌السلام)، نشان می‌دهند دیگر مهمان خویش را تشنه نمی‌گذارند. آنها برای جبران گناه اسلاف‌شان هر چه در چننه دارند رو می‌کنند تا نشان دهند آماده شده‌اند. آنها ندای «هل

من ناصر ی نصرنی» حسین (علیه‌السلام) را شنیده‌اند، نه با گوش که با روح آن صدای مظلوم را درک کرده‌اند و با دل خود به آن پاسخ می‌دهند. دیگر گذشت آن زمان که کوفیان علی (علیه‌السلام) را، حسن (علیه‌السلام) را و حسین (علیه‌السلام) را تنها بگذارند. آنها دیگر زینب (سلام‌الله‌علیها) را به اسارت نمی‌برند. آنها برای جبران آماده‌اند. آنها زائرین کربلا را روی سر خود جای می‌دهند. اما این همه ماجرا نیست. دنیای کفر حربه دیگری را به میدان آورد. ولی... ما دیگر مثل ۱۴۰۰ سال قبل از لشکر مجازی شام نهراسیدیم. این‌بار مردانی بودند تا جلوی لشکر وحشی واقعی داعش بایستند و با قلع و قمع آنها آمادگی خود را برای ظهور اعلام کنند. آنها نشان دادند، مردان شجاعی میان مسلمین وجود دارد که در هنگامه خطر پشت امام خویش را خالی نکنند. اما مگر بزرگ‌ترین حادثه تاریخ فقط با شجاعت و دلاوری عده‌ای از آزادگان محقق خواهد شد؟ قطعاً نه! امتحانی دیگر در راه است. کفار اما راه دیگری

را امروز انتخاب کرده‌اند. آنها امروز فهمیدند که شیعیان غیرت‌مند شده‌اند و می‌خواهند همین نقطه قوت را علیه خود ما به کار گیرند. از روزنامه شرق تا تمدن غرب دست‌به‌دست هم داده‌اند تا خون در رگ غیرت ما را به جوش آورند. آنها از ابزار روانی جدیدی بهره می‌برند. به ما می‌گویند زائرین عراقی امام هشتم... (زبان از بیان عاجز است) و به عزیزان عراقی ما می‌گویند ایرانی‌های در پیاده‌روی اربعین... (شرم بر قلم آنها)... آری دنیای کفر حربه جدیدی رو کرده است؛ پس ما را بصیرتی دیگر باید...!

خدا دارد ما را سخت امتحان می‌کند... و چه امتحان سختی؛ ما از قمر منیر بنی‌هاشم غیرت آموختیم و خدا دست روی همین غیرت گذاشته است.

نمی‌دانم رفقا؛ خدا کند این آخرین حربه دشمن و امتحان خدا از ما باشد... سینه از فشار زمانه به درد آمده است. کودکان یمنی، مظلومان بحرینی، برادران و خواهران عراقی و سوری، شیعیان عزیز عربستان، سالخورده‌گان فلسطینی که از

بهترین عملکرد ۱۵ سال اخیر ورزشکاران دانشگاه در المپادهای ورزشی دانشجویان کشور



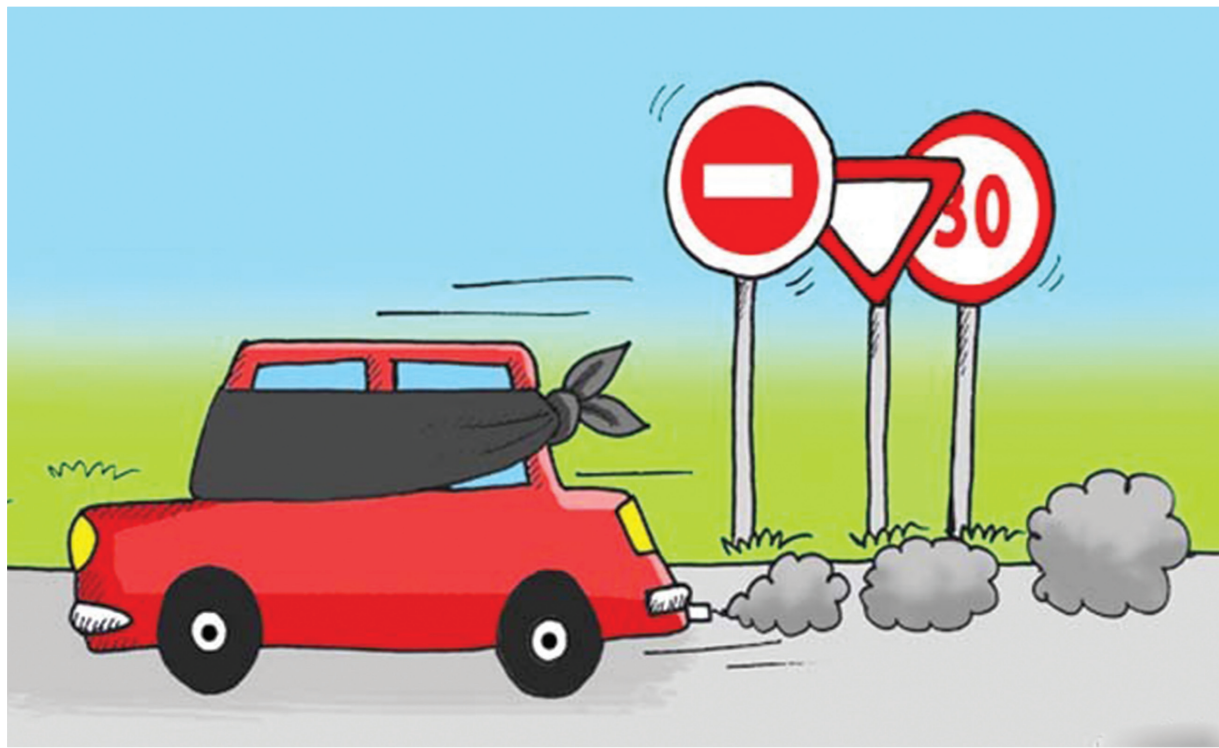
چهاردهمین المپیداسراسری دانشجویان پسر کشور به میزبانی دانشگاه شیراز در حالی به پایان رسید که کاروان اعزامی دانشگاه تربیت مدرس با کسب یک مدال طلا و دو مدال برنز، بهترین عملکرد ۱۵ سال اخیر ورزشکاران دانشگاه در المپادهای ورزشی را به دست آورد. محمد یوسفی در رشته بدمینتون با بازی‌های جذاب و دیدنی و در رقابت با ملی پوشان این رشته مدال طلای انفرادی مسابقات را کسب کرد و کشتی گیران آزادکار، وحید کردلو در وزن ۷۴ کیلوگرم و محمدحسین قهرمانی در وزن ۹۷ کیلوگرم با کشتی‌های نفس گیر و مقتدرانه، مدال برنز رقابت‌ها را از آن خود نمودند. لازم به ذکر است المپیدای ورزشی دانشجویان، بزرگترین رویداد و رقابت دانشجویان در سراسر کشور بوده و هر دو سال یک بار و با حضور برترین دانشجویان ورزشکار کشور برگزار می‌گردد.

طنز امپراتوری قانون گریزی



احمد فرهنگ

کارشناسی ارشد ادبیات فارسی دانشگاه تربیت مدرس



روز سیزدهم ماه، آدار در اتاق کنفرانس باغ جرج واشنگتن، ماسون‌های کابالایی جهان جمع شده بودند تا پیرامون شیوه‌های دور زدن قوانین کشورها و نتایج آن بحث و تبادل نظر نمایند.

استاد اعظم (با پوزخند): آدم‌های زرنک، قانون را نمی‌شکنند، فقط کمی آن را خم می‌کنند.

معاون اول: بله قربان صحیح می‌فرمایید! برای ما کار غیرقانونی، مثل آب خوردن است. فقط چیزی که هست، انجام کارهای مغایر با قانون اساسی کشورها کمی زمان‌بر است.

معاون دوم: قربان! قانون چاله‌ای است بی‌انتهای. به همین خاطر از خلاءهای قانونی به راحتی می‌شود علیه قوانین کشورها استفاده کرد.

معاون سوم: اگر انواع جنگ در سراسر جهان گسترش یابد؛ دور زدن قانون آسان خواهد شد؛ زیرا قانون در دوران جنگ، سکوت اختیار می‌کند.

استاد اعظم: بهتر است، کمی هم از روش‌های قانون‌گریزی تجربه شده گزارش بدهید.

خزانه‌دار کل: من موفق شده ام که قانون مالیات را دور بزنم. با مراجعه به بانک، وام یک دلاری درخواست کردم. گفتند چهار سنت کارمزد سالانه می‌شود. پذیرفتم. گفتند یک تضمین هم باید بدهم. بابت دریافت یک دلار، پنجاه هزار دلار وثیقه گذاشتم و بیرون آمدم.

استاد اعظم: خوب این کار چه لطفی داشت؟

خزانه دار کل: اتفاقاً یکی از کارمندان بانک نیز همین سؤال را داشت. گفتم: راه بهتری سراغ نداشتم تا برای پنجاه هزار دلار فقط چهار سنت مالیات بپردازم. قربان! اطلاع دارید که در بانک‌های آمریکا به سپرده‌های راکد، تا ۲۶ درصد مالیات می‌بندند.

دبیرکل: قربان! در ایران نیز واردکنندگان کالا از مبادی ورودی مناطق تجاری آزاد می‌توانند در قالب شرکت‌های تولیدی از امتیازات جدیدی که کمیسیون تعیین ارزش افزوده در اختیار آن‌ها قرار می‌دهد

استفاده کنند. نمایندگان وزارت صنعت و معدن و تجارت، منطقه آزاد و گمرک اعضای این کمیسیون هستند و گمرک مجری معافیت هاست. این شرکت‌ها با استفاده از معافیت ۸۵ درصدی، قانون را دور می‌زنند و به ازای تولیدی که در ظاهر انجام می‌دهند، به کار واردات می‌پردازند و در عمل سهم ناچیزی به خزانه ی دولت واریز می‌شود؛ به این ترتیب هم رقابت در بازار این محصولات از بین می‌رود و هم اشتغال‌زایی کاهش می‌یابد.

خبر دیگر اینکه سایت وزارت تجارت را هک و خودروهای لوکس وارد کرده‌اند و به این ترتیب ارز ملی را بلعیده‌اند. در این ارتباط پنج مدیر این وزارتخانه بازداشت شده‌اند و خودروها به شدت زیر پای بچه پولدارها شکنجه می‌شوند.

میهن دستور: گفتنی است صاحبان کارت‌های بازرگانی یک‌بار مصرف بیشترین خسارت را به خزانه دولت ایران وارد کرده‌اند. طبق اعلام رئیس سازمان مالیاتی، این واردکنندگان بیش از ۸۰۰۰ میلیارد تومان بدهی مالیاتی داشته‌اند و طبق ماده ۷۰ قانون گمرکی، ترخیص کالاهای آن‌ها منوط به تامین این بدهی‌ها بوده است؛ ولی آن‌ها برای فرار از مالیات، قانون را دور زده‌اند و کالای موجود در گمرک را برخلاف نص صریح قانون با ظهرونیسی قبض انبار یا وکالت نامه تنظیمی انتقال داده‌اند تا کالا قبل از پرداخت بدهی با نام فرد دیگری از گمرک ترخیص شود.

و تقویت آن‌ها، با دور زدن قانون، فیلتر شکن‌های هاتگرام و تلگرام طلایی را در اختیار کاربران قرار دادند. به قول «رابیندرانات تاگور» کرم کتاب پیش خود خیال می‌کند انسان باید خیلی احمق باشد که کتاب خود را نمی‌خورد.

دبیرکل: قربان! این دوستان مفسد و عزیزکرده، تحصیلکرده‌ی دانشگاه هستند. بعضی از این نخبگان مختلس با شماره تلفن‌های روی آسفالت و اعلامیه‌های جلوی دانشگاه توانسته‌اند پایان نامه‌ها و رساله‌های خود را ارائه دهند!

استاد اعظم: فلیکس کریوین می‌گوید سیب وقتی دید رفقایش را از درخت می‌چینند، خودش را پشت برگ‌ها پنهان کرد. دلش نمی‌خواست به دست مردم بیفتد. فووش او را می‌انداختند توی مربا، تازه این هم کیفی نداشت؛ اما تنها ماندن روی درخت هم لذتی نداشت. همکاری در مصیبت باعث تخفیف رنج می‌شود. سرک بکشم؟ نکشم؟ بکشم؟ نکشم؟ کرم تردید شروع به خوردن سیب کرد. آن قدر خورد که دیگر چیزی از سیب باقی نماند و الفاتحه! دوستان از همه‌ی امکانات خود استفاده کنید تا کرم تردید در جان قوه‌ی قضائیه‌ی ایرانی‌ها ریشه بدواند تا تیغ قوانین این کشور هر چه بیشتر کند و کندتر شود تا دوستان ما بتوانند با دور زدن قوانین، ریشه‌ی ملت ایران را بسوزانند!

امین خیریه: قربان! با خبر شدیم که یکی از ابر بدهکاران بانکی به اتهام خیانت در امانت و تحصیل مال از طریق نامشروع به میزان تقریبی ۳۰۰ میلیارد تومان از منابع بانک ملت، از کشور خارج شده و به امارات گریخته است. این شخص، دارنده‌ی کلکسیون‌های ماشینی‌های میلیاردی، ویلای شخصی در امارات، موناکو فرانسه، لندن و امثال آن می‌باشد. این ابر بدهکار فراری در بازار خرید و فروش ارز فعال بوده و در برهه‌ی کار واردات پالت‌های ارزی را بر عهده داشته است و تسهیلات ارزی هنگفتی را با صفر درصد کارمزد به برادر یکی از مقامات دولتی واگذار کرده که او نیز با ۲۶ درصد سود در همین بانک سپرده‌گذاری کرده است. اختلاسگران ایرانی می‌توانند با لابی‌گری و دور زدن قانون به راحتی از کشور فرار کنند. مهربار بزرگ: تعدادی از بانک‌های ایرانی توافق کردند تا نرخ سود بانکی را از ۱۸ درصد به ۱۵ درصد کاهش دهند. این اقدام منجر به مصوبه شورای پول و اعتبار شد و کل سیستم بانکی و انواع بانک‌ها و موسسات اعتباری تحت نظارت بانک مرکزی ملزم به رعایت این نرخ شدند اما گزارش شده است که برخی از شعب بانک‌ها با دور زدن قانون و ایجاد صندوق‌های سرمایه‌گذاری، امکان دریافت سودهای بالاتر تا ۲۱ درصد را برای سپرده‌گذاران فراهم کرده‌اند.

بزرگ سخنگو: آخرین خبر آنکه پیام رسان تلگرام در ایران فیلتر شد؛ اما همان فیلترکنندگان دولتی، به جای انتقال زیر ساخت‌های تلگرام به پیام‌رسان‌های ملی

فریده گیو



دانشجوی دکتری ریاضی کاربردی دانشگاه تربیت مدرس

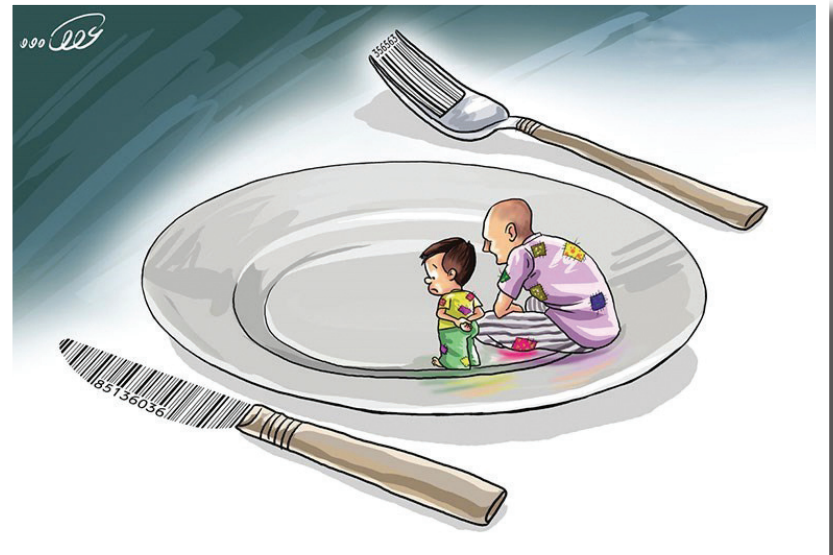
دیگه چه خبر ؟

الناز عارفی فر



دانشجوی کارشناسی ارشد علوم تربیتی دانشگاه تربیت مدرس

شایسته سالاری و ما



خب اینم از تابستون که دیگه رو به پایان است. تابستونی گرم به معنای واقعی همراه با قطعی برق! میگن چون هوا خیلی گرم بوده قطعی برق داشتیم اونم با اطلاع قبلی. خدا خیرشون بده با این خشکسالی و کمبود آب، برق رو قطع کردن. یادش بخیر بچه که بودیم وقتی میخواستن حواسمون رو پرت کنن می گفتن جوجو رو نگاه کن!

میدونی تو این گرما چی می چسبه؟ این که یک سایه با حال پیدا کنی و با بر و بچه های با حال تر بشینی بازی کنی اونم چی کلاغ پر، به یاد دوران طفولیت. کلاغ پر، گنجشک پر، دلار پر، سکه پر، ماشین پر، مسکن پر، گوشت و مرغ پر، میوه پر، سفر پر پر، ... عمر پر. عمر که پر نداره باباش خبر نداره. عجب هوایی! همین طور که دما

میره بالا همه چی رو با خودش می بره بالا. اما مثبت فکر کنید! هوا رو به خنکی است و دما پایین می آید.

این بادکنک هایی که با گاز هلیوم پر میشن خیلی باحالتن. میرن می چسبن به سقف یا می تونی اون رو با ریسمونی به جایی بندش کنی. حالا فکر کنید این بادکنک ها رو بدی دست یک بچه و اونو ببری تو فضای باز، فقط کافیه یک لحظه ازش غفلت کنی تا بادکنک رو به فنا بده و شما رو بیچاره کنه. دیگه محاله دستت به اون بادکنک برسه چنان با شتاب به فضا میره که نگو. اگه دو تا فوت ناقابل برای بادکنک مصرف کرده بودی الان گرفتار نمی شدی. در عوض می تونستی با یک سوزن زدن بهش کلی کیف کنی! خبرها حاکی از پر شدن بادکنک های زیادی با گاز هلیوم است مراقب باشید!

این وسط چشم و هم چشمی رو کجای دلم بزارم. وقتی که نیست خب نیست دیگه با یک لقمه کمتر تا حالا کسی به مرحله قبل نرفته. اینجا جاده یک طرفه است! اما بعضی ها انگار متوجه نیستند که با این کارا آب به آسیاب پروازی ها می کنند.

میگما بیایید یکم زندگی کنیم اونقدر هم که فکر می کنیم وقت نیست.

این که در جامعه باید افراد شایسته انتخاب شوند، شکی نیست، اما شایستگی در چیست؟ آیا در قدرت است یا در دانش و توانایی و مهارت؟ «پیغمبرشان به آنها گفت: خداوند طلوت را به پادشاهی شما برانگیخت. گفتند از کجا او را بر ما بزرگی و شاهی رواست در صورتی که ما به پادشاهی شایسته تر از او بییم و او را مال فراوان نیست. رسول گفت: خداوند او را برگزیده و در دانش و توانایی و قوت جسم فزونی بخشیده، و خدا ملک خود را به هر که خواهد بخشد، که خدا به حقیقت توانگر و داناست»^۱. معمولا

اگر فردی شایسته در جایگاه خود قرار گرفت، به طور خودکار، حمایت، ذکر خیر، سپاسگزاری و احترام دیگران را دریافت می کند. اما در برابر افرادی که به نحو شایسته انتخاب نشده اند، ولی جایگاهی به آنها اختصاص داده شده است، چه می توانیم بکنیم؟ قرآن در این مورد توصیه هایی کرده است:

«و (شما مؤمنان) هرگز نباید با ظالمان همدست و دوست و بدان ها دلگرم باشید و گر نه آتش (کیفر آنان) در شما هم خواهد گرفت و در آن حال جز خدا هیچ دوستی نخواهید داشت و هرگز کسی یاری شما نخواهد کرد»^۲.

«و از رفتار رؤسای مسرف و ستمگر پیروی نکنید»^۳.

«موسی باز گفت: ای خدا، به شکرانه این نعمت (نیرو) که مرا عطا کردی من هم بدکاران را هرگز یاری نخواهم

کرد»^۴. «و چون گروهی را دیدی که برای خرده گیری و طعن زدن در آیات ما گفتگو می کنند از آنان دوری گزین تا در سخنی دیگر وارد شوند، و چنانچه شیطان البته فراموش ساخت بعد از آن که متذکر (کلام خدا) شدی دیگر با گروه ستمکاران مجالست مکن»^۵.

«و آنان که چون ظلمی بر آنها هجوم کند (از مؤمنان یاری طلبیده) انتقام می جویند»^۶.

۱- سوره بقره، آیه ۲۴۷: وَ قَالَ لَهُمْ نَبِيُّهُمْ إِنَّ اللَّهَ قَدْ بَعَثَ لَكُمْ طَالُوتَ مَلَكًا قَالُوا أَنَّى يَكُونُ لَهُ الْمُلْكُ عَلَيْنَا وَ نَحْنُ أَحَقُّ بِالْمُلْكِ مِنْهُ وَ لَمْ يُؤْت سَعَةً مِّنَ الْمَالِ قَالَ إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَاهُ عَلَيْكُمْ وَ زَادَهُ نَسْطَةً فِي الْعِلْمِ وَ الْجِسْمِ وَ اللَّهُ يُؤْتِي مَلَكَةً مَّن يَشَاءُ وَ اللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ

۲- سوره هود، آیه ۱۱۳: وَ لَا تَرْكَبُوا إِلَى الَّذِينَ ظَلَمُوا فَتَمَسَّكُمُ النَّارُ وَ مَا لَكُم مِّنَ اللَّهِ مِن أَوْلِيَاءَ ثُمَّ لَا تُنصَرُونَ

۳- سوره شعراء، آیه ۱۵۱: وَ لَا تَطِيعُوا أَمْرَ الْمُسْرِفِينَ

۴- سوره قصص، آیه ۱۷: قَالَ رَبِّ بِمَا أَنْعَمْتَ عَلَيَّ فَلَنْ أَكُونَ ظَاهِرًا لِّلْمُجْرِمِينَ

۵- سوره انعام، آیه ۶۸: وَإِذَا رَأَيْتَ الَّذِينَ يَخُوضُونَ فِي آيَاتِنَا فَأَعْرِضْ عَنْهُمْ حَتَّى يَخُوضُوا فِي حَدِيثٍ غَيْرِهِ وَ إِمَّا يَنْسِيَنَّكَ الشَّيْطَانُ فَلَا تَقْعُدْ بَعْدَ الذِّكْرِی مَعَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ

۶- سوره شوری، آیه ۳۹: وَ الَّذِينَ إِذَا أَصَابَهُمُ الْبَغْيُ هُمْ يَنْتَصِرُونَ



دعوت به همکاری

نشریه چشمه از دانشجویان خوش ذوق و صاحب قلم دعوت به همکاری می‌نماید. علاقمندان می‌توانند دیدگاه‌ها، افکار، تجربیات، برداشت‌ها و پیشنهادات خود در قالب‌های گزارش، طنز، شعر، داستان، دلنوشته‌ها و کاریکاتور ارسال نمایند. برای ارسال، از هر راه ارتباطی می‌توانند استفاده کنید، هم ایمیل داریم و هم در شبکه اجتماعی حاضریم، اگر تشریف بیاورید، در گروه نویسندگان چشمه هم پذیرتان خواهیم بود. برای شماره آتی، منتظران هستیم ...

مشاوران به هیچ عنوان کتاب نخوانند...

مشاوران به هیچ عنوان کتاب نخوانند... این مطلب به اهمیت مطالعه و استفاده از منابع علمی اشاره دارد. همچنین بخشی از این صفحه به معرفی کتاب‌ها و نویسندگان می‌پردازد.

آینش آتیش

از دانشجویان دکتری چه خبر؟! ۱۱

این بخش به بررسی وضعیت دانشجویان دکتری و چالش‌های آن‌ها می‌پردازد. شامل مصاحبه‌ها و گزارش‌های میدانی است.

آقا باغی

این بخش شامل گزارش‌ها، مصاحبه‌ها و مقالات کوتاه است. موضوعات متنوعی را پوشش می‌دهد.



زیباترین معنی عشق

دکتر محسن نصرتی

عضو هیئت علمی گروه مهندسی شیمی دانشگاه تربیت مدرس



با برادر سیر از جام بلا، مست آدمم
 من که مخمور می ناب تو بودم در خفا
 تا که رازم شد به عالم برملا، مست آدمم
 بوسه‌ای حاصل شد از لعل لبانت روبرو
 همچنین بوسید شمشیر از قفا، مست آدمم
 گر هزاران جان دهی بعد از هزار عاشق کُشی
 باز هم بینی که جان را جان فدا، مست آدمم
 ای که گفتی اندکی در آتش عشقم بسوز
 این که چیزی نیست من تا انتها، مست آدمم
 بر نشستن تیر را یارا نباشد در بدن
 بس که در آماج تند تیرها، مست آدمم
 گرم می‌جوشد به جای خون شراب از سینه‌ام
 زین سبب از پاشش خون در هوا، مست آدمم
 از گلو نتوان بریدن نای می نوشیده را
 باید از گردن بریدن مست را، مست آدمم
 تازه روئین می‌شود از باده نوشیدن گلو
 تازه می‌دارد گلو را باده‌ها، مست آدمم
 گرچه مقبول نخواهد بود مستان را نماز
 روز آخر را معافم کن چرا، مست آدمم

دیدیدی ای محبوب شیرین در وفا مست آدمم؟
 دیدیدی از جان دست شستم بی‌با مست آدمم؟
 بنگرم نیکو، سزاوارم تو را عاشق شدم
 گشتم این بار رویت را روا، مست آدمم؟
 تشنه‌ام سیراب کن نای مرا از باده‌ات
 گرچه بسیار از شراب جان‌فزا مست آدمم
 کودکم در دوره‌ی شش ماهگی عاشق شدست
 لاجرم من نیز در شور و نوا، مست آدمم
 در هجوم نیزه و شمشیر و تیر و سنگ و چوب
 در زفاف خاک و خون بهر بقا، مست آدمم
 از طواف رویت ای زیباترین معنی عشق
 مروه را بگذاشتم تا از صفا، مست آدمم
 در حراجی که اندرو تن را و سر را ارج نیست
 هر دو را بگذاشتم از هم جدا، مست آدمم
 بی‌تأمل تا ندا دادی که عاشق می‌گشتم
 سر فراموشم شد از بهر ندا، مست آدمم
 من نه تنها اولین دیوانه‌ی روی توأم
 جمعی از دیوانگان را در قفا، مست آدمم
 با پدر نزدیک محراب سجود سرخ عشق

اصلاحیه

به جوانان کشور عزیزمان

خلیل سمنگانی

میرزا محمد سمنگانی، نویسنده و مترجم

جوانان کشور عزیزمان! این روزها، در سراسر کشور، جشن‌های مختلفی در حال برگزاری است. جشن‌های دهه‌گردی، جشن‌های نوجوانی و جشن‌های جوانی. این جشن‌ها فرصتی است برای تجدیدنظر در زندگی و برنامه‌ریزی برای آینده.

از غفلت کردن غافل نشویم؟! ۱۱

غفلت کردن از اهداف و برنامه‌ها می‌تواند منجر به ناکامی شود. باید همیشه خود را در مسیر اهداف قرار دهیم.

سید مهدی مفاکشان

نویسنده و مترجم

بزرگ می‌گفت تمام بشریت در غفلت است و غفلت از آن که در میان است و غفلت از آن که در پیش است. غفلت از آن که در پیش است و غفلت از آن که در میان است. غفلت از آن که در میان است و غفلت از آن که در پیش است.

در شماره‌ی قبلی نشریه چشمه (۶۵) مطلبی با عنوان (به جوانان کشور اعتماد کنیم) به قلم آقای خلیل سمنگانی به چاپ رسید که سمت ایشان اشتباه درج شده بود، سمت فعلی ایشان کارشناس امور فرهنگی خوابگاه‌ها است، بدینوسیله بابت این سهل‌انگاری پوزش می‌طلبیم.

اطلاعیه:

به سماع و نظر مخاطبین گرامی می‌رسانیم متن دلنوشته‌ها و اسامی برندگان مسابقه (بهترین دلنوشته) دانشجویان ورودی‌های جدید ۹۷ را به زودی منتشر خواهیم کرد.

با ما همراه باشید

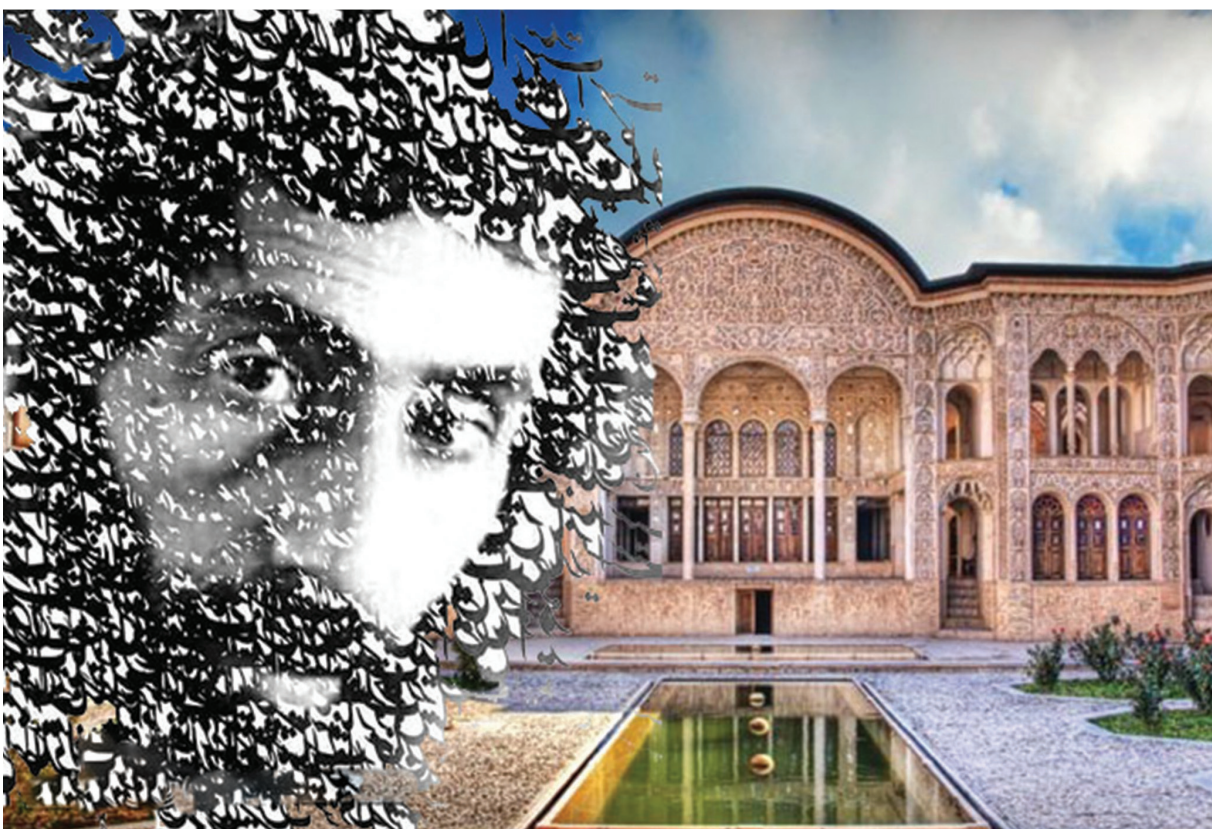


راضیه آب نیکی

کارشناسی ارشد اقتصاد کشاورزی دانشگاه تربیت مدرس

خانه‌ی دوست کجاست؟

نگاهی به شعر «نشانی» سهراب سپهری



«خانه‌ی دوست کجاست؟» در فلق بود
که پرسید سوار.

آسمان مکتی کرد.

رهگذر شاخه‌ی نوری که به لب داشت
به تاریکی شن‌ها بخشید

و به انگشت نشان داد سپیداری و
گفت:

«نرسیده به درخت،

کوچه باغی است که از خواب خدا
سبزتر است

و در آن عشق به اندازه‌ی پره‌ای
صداقت آبی است.

می‌روی تا ته آن کوچه که از پشت
بلوغ سر به در می‌آرد،

پس به سمت گل تنهایی می‌پیچی،

دو قدم مانده به گل،

پای فواره‌ی جاوید اساطیر زمین
می‌مانی

و ترا ترسی شفاف فرا می‌گیرد.

در صمیمیت سیال فضا، خش خشی
می‌شنوی:

کودکی می‌بینی

رفته از کاج بلندی بالا، جوجه بردارد
از لانه‌ی نور

و از او می‌پرسی

خانه‌ی دوست کجاست.»

شعر کوتاه «نشانی»، از معروف‌ترین
سروده‌های سهراب سپهری است و

بسیاری از منتقدان ادبی، آن را یکی
از مهمترین اشعار سهراب دانسته‌اند.

به طور مثال رضا براهنی در کتاب
«طلا در مس»، «نشانی» را بهترین

شعر کوتاه سپهری عنوان می‌کند و
می‌گوید: «نشانی، از نظر تصویرگری و

از نظر نشان دادن روح جوینده‌ی بشر،
یک شاهکار است.»

در این منظومه‌ی کوتاه، سهراب به
دنبال یافتن «دوست» است و شعر

را با این سوال آغاز می‌کند: «خانه‌ی
دوست کجاست؟» رضا براهنی در
کتاب «طلا در مس» استدلال می‌کند
که: «خانه وسیله‌ی نجات از در به دری

و بی‌هدفی است؛ و دوست، عارفانه‌اش
معبود عاشقانه‌اش معشوق، و دوستانه‌اش
همان خود دوست است. و یا شاید تلفیقی
از سه: یعنی هم معبود و هم معشوق و
هم محبوب.»

سیروس شمیسا در کتاب شعر سهراب
سپهری، هفت نشانی ذکر شده در این
شعر برای رسیدن به خانه‌ی دوست را
همان هفت وادی سلوک می‌داند که
در منطق الطیر عطار، به این ترتیب‌اند
و معادل آنها در منظومه‌ی نشانی، بدین
ترتیب است:

۱- طلب = درخت سپیدار، ۲- عشق =
کوچه باغ، ۳- استغنا = گل تنهایی، ۴-
معرفت و حیرت = فواره‌ی اساطیر و ترس
شفاف، ۵- توحید = صمیمیت سیال فضا،
۶- حیرت = کودک روی کاج، ۷- فقر و
فنا = لانه‌ی نور

شعر با یک پرسش آغاز می‌شود؛ پرسشی
که هنگام «فلق» رخ می‌دهد. «فلق» در
واقع هنگام تاریک و روشن آغاز صبح
است که این تاریک و روشنی در پایان
شعر: «جوجه بردارد از لانه‌ی نور»، به
«نور» می‌انجامد. یعنی پرسش آغازین
شعر، در پایان رفع ابهام می‌شود. این
پرسش از سوی «سوار» مطرح می‌شود.
که نماد انسان است. در پاسخ به این
پرسش، آسمان مکت می‌کند:

آسمان بار امانت نتوانست کشید
قرعه‌ی کار به نام من دیوانه زدند
(حافظ)

به این معنا که آسمان، و در واقع کائنات
در پاسخ به این سوال مکت می‌کنند. یعنی
از درک و پاسخ به این پرسش ناتوانند. اما
رهگذر که نماد انسان فیلسوف است، نور
را به تاریکی‌ها می‌بخشد و راه را به سوار
نشان می‌دهد؛ هر چند که نشانی‌هایی
که می‌دهد، نشانی‌هایی که ما به صورت
معمول انتظار داریم نیست. به طور مثال
از ترکیب‌هایی مانند «خواب خدا»،
«پره‌ای صداقت»، «کوچه‌ای که از پشت
بلوغ سر به در می‌آورد»، «گل تنهایی»،
«فواره‌ی جاوید اساطیر زمین» و ... یاد
می‌کند که همگی تعبیری میان عینیت
و انتزاع هستند. بنابراین توقع خواننده از
یافتن نشانی به شکل همیشگی و روزمره
برآورده نمی‌شود. علاوه بر این، شعر با
پرسشی آغاز می‌شود که پایان بخش
شعر نیز هست؛ با این تفاوت که علامت
پرسشی که در پایان این عبارت ابتدای
شعر است، در عبارت پایانی، تبدیل به
نقطه شده است. شاید بتوان گفت از
این پرسش رفع ابهام شده است اما نه
به شیوه‌ی معمول و در نظر اول ممکن
است اینطور به نظر برسد که پاسخی به
پرسش داده نشده است.

و نهایتاً در پایان شعر، نشانی‌های ذکر

شده از سوی رهگذر، به «کودک» ختم
می‌شود که نماد فطرت انسان و پاکی
است. شمیسا، کاج را به قیاس سرو که
در ادب کهن رمز جاودانگی، سرسبزی
و بلندی است، پلکان معراج می‌داند و
می‌گوید در ذهن سهراب بین خدا و
درخت ارتباط است: «باید به ملتقای
درخت و خدا رسید». با این اوصاف،
«کودکی که از کاج بلند بالا رفته تا
از لانه‌ی نور، جوجه بردارد»، می‌تواند
نشان‌دهنده‌ی پیر و مرشد و راهنما
باشد. بنابراین در واقع سوال ابتدایی شعر
را باید از خود پرسیم و پیر و مرشد ما
برای یافتن نشانی خانه‌ی دوست، ذات
و سرشت حقیقت‌جوی خودمان است.

۱- براهنی، رضا. طلا در مس. تهران: انتشارات
زمان، ۱۳۵۸.

۲- پاینده، حسین. تباین و تنش در ساختار شعر
«نشانی». نشریه‌ی دانشکده‌ی ادبیات و علوم انسانی
دانشگاه تبریز، سال ۴۷، پاییز ۱۳۸۳.

۳- شریفیان، مهدی. نقد عرفانی شعر «نشانی»
سهراب سپهری. فصلنامه علمی- پژوهشی علوم
انسانی دانشگاه الزهراء (س)، سال شانزدهم و هفدهم،
شماره ۶۱ و ۶۲، زمستان ۱۳۸۵ و بهار ۱۳۸۶.

۴- شمیسا، سیروس. نقد شعر سهراب سپهری
(نگاهی به سپهری). تهران: انتشارات مروارید،
۱۳۷۰.



عصر شهریار

ورود به اندیشه‌های دینی و نیایش‌های مؤثرش، متهم به شعارزدگی کرده‌اند و به جای برجسته‌کردن مواضع انقلابی‌اش، او را شاعر شکوه روستا معرفی نموده‌اند. آیا سزاوار نبود که پس از عصر نیما، شهریار را به عنوان شاخص ادبی جناح سنت‌گرای عصر پهلوی و دوره‌ی انقلاب شکوهمند اسلامی معرفی نمایند؟

شهریار پرورش‌یافته‌ی مکتب قرآن و دایره‌المعارف فرهنگ تشیع است و شعرهایش جنبه ملی و همگانی دارد. او یک تنه پاسدار و پاسبان قالب‌های شعر فارسی بود و سنت و مدرنیته را دوش به دوش هم به پیش برد. در عصر پهلوی که اوج یاس و ناامیدی شاعران است، او با اشعار طوفانی خود، نهیب زد که قیامتی برپا خواهد شد و گردبادی وزیدن خواهد گرفت و این بساط ظلم و جور را برخواهد چید و بدین‌گونه به استقبال انقلاب اسلامی رفت. شهریار حلقه‌ی اتصال سبک‌های شعر فارسی از قرن‌های گذشته تا شعر فارسی امروز است. او سرشار از عاطفه و همنشین واژگان فارسی است. علاوه بر آن که خوشنویس بود، نسبت به موسیقی اصیل ایرانی نیز شناخت عمیقی داشت. در جوانی سه‌تار می‌نواخت، آن‌گونه که استاد بی‌بدیل، ابوالحسن صبا را متأثر می‌کرد.

شرح شور انگیز عشق شهریار / در غزل می‌پیچد و سیم سه‌تار

ارزیابی می‌گردد. به این ترتیب که هر اثر ادبی را با مراحل زندگی ارگانیک زنده برابر می‌نهد و روایتی از تولد، بلوغ و مرگ (و گاهی بازتولد) را به دست می‌دهد، این شیوه نیز قابل نقد است زیرا آهنگ تغییرات ادبی همیشه از انگاره‌های یکدست و منسجمی پیروی نمی‌کند. بنابراین واقعی‌ترین معیار انتخاب شاخص‌های ادبی، می‌تواند همان رویکرد و اقبال عمومی به یک اثر ادبی در همان دوره‌ی حیات شاعر و ماندگاری‌های طولانی‌مدت آن باشد.

بدیهی است که تاریخ ادبیات فارسی تنها سرگذشت این نویسندگان یا آن شاعر نیست؛ به میزان ابتکار و اهمیت کار هر کس بستگی دارد. ادیبی که از میراث تاریخی پیشینیان سهمی برمی‌گیرد، چنانچه بتواند متناسب با دریافت روزگار خویش، چیزی بر آن بیفزاید، ماندگاری می‌یابد و تبدیل به شاخص ادبی می‌شود. شهریار در این فرایند تاریخی موفق بوده است و تاسف بار اینکه مؤلفان کتاب‌های درسی تاریخ ادبیات دوره‌ی متوسطه، شهریار را زیرمجموعه‌ی عصر نیما و هم‌سنگ شاعرانی چون میرزااحسن وثوق‌الدوله و حبیب یغمایی و لاهوتی و فرخی یزدی قرار داده‌اند و او را به جرم

را زمزمه می‌کنند و مسحور زیبایی و فصاحت و فخامت و لطافت کلام آن می‌شوند؟

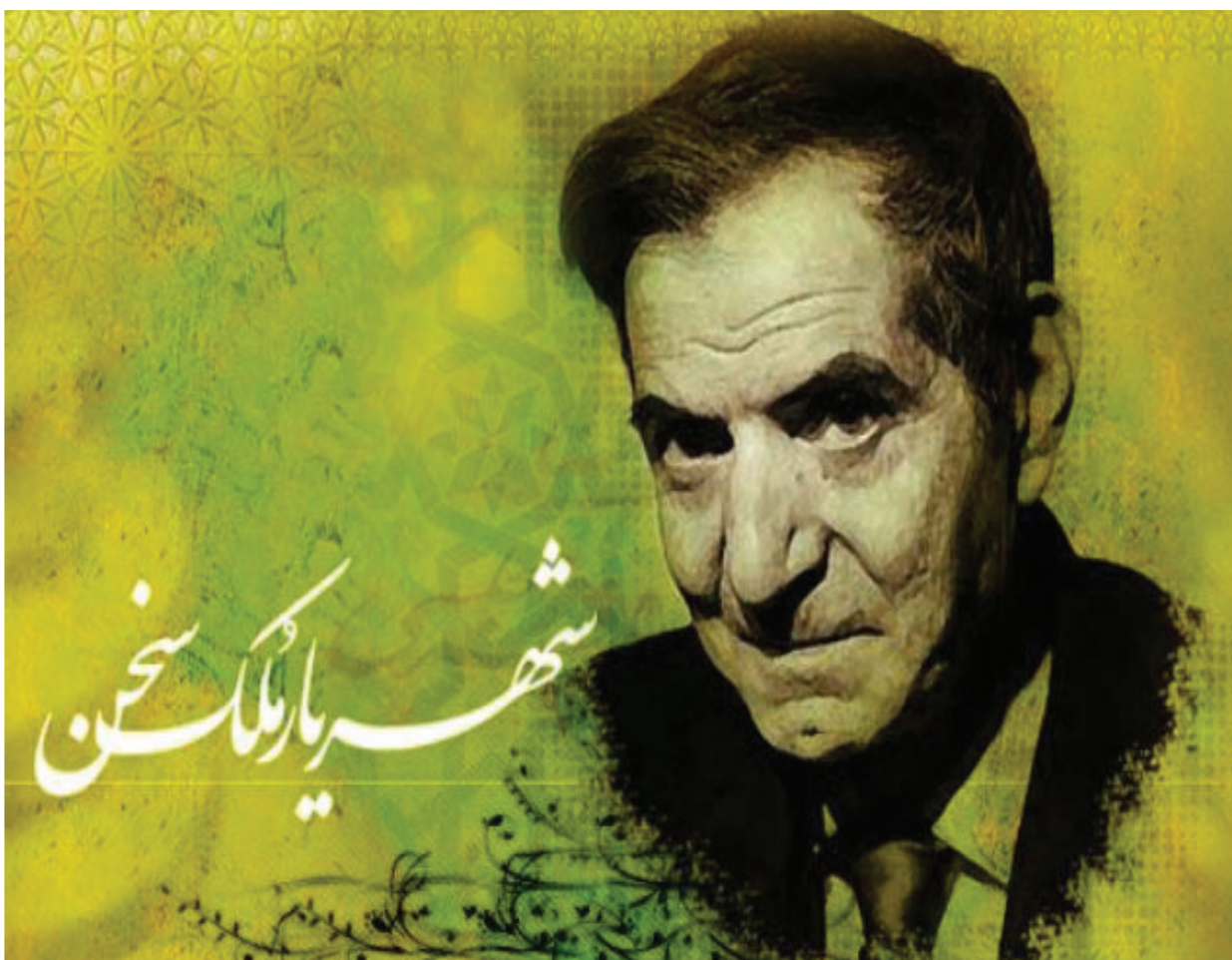
از سوی دیگر جهان‌بینی فلسفی، نگرش اجتماعی، جلوه‌های عاطفی، ذوقی و هنری، اسلوب متین و استوار شاعری و در عین حال لطافت و ظرافت خاص شهریار در آثاری چون: هذیان دل، ای وای مادرم، نقاش، دو مرغ بهشتی، مومیایی و پیام انشتین و... منتقدان شعر فارسی را دچار حیرت و سرگشتگی کرده است. ملک‌الشعرا بهار درباره او گفته است: «شهریار نه تنها افتخار ایران است بلکه افتخار مشرق زمین به شمار می‌رود.»

تعیین شاخص ادبی وابسته به علائق شخصی اهل قلم نیست، بلکه گزینشی کاملاً علمی است. در دوره بندی تاریخ ادبی، دو رویکرد درونی (مبتنی بر ویژگی‌های صرفاً ادبی) و بیرونی (بر بنیاد عوامل بیرون از ادبیات مانند عوامل سیاسی و اجتماعی) وجود دارد. بخش‌بندی تاریخ ادبی بر مبنای قرن، دهه و سال ساده‌ترین و مکانیکی‌ترین شیوه دوره‌بندی تاریخ ادبی است. رویکرد سومی نیز وجود دارد که بر مبنای الگوهای زیستی محاسبه و

در تقویم رسمی کشور، بیست و هفتم شهریورماه روز شعر و ادب فارسی و روز بزرگداشت استاد سیدمحمد حسین شهریار نامگذاری شده است. امتزاج این دو عنوان مستقل از سال ۱۳۸۱، حرف و حدیث‌های فراوانی را به دنبال داشته است. گروهی گفتند با وجود سعدی و حافظ، نوبت به شهریار نمی‌رسد. دسته‌ای دیگر گفتند شهریار نمی‌تواند نماینده شعر امروز باشد زیرا اگر او شاعر فوق‌العاده برجسته‌ای هم باشد، مسلماً شاعران دیگری نیز در حد و اندازه‌ی او وجود دارند. ضمن اینکه شهریار به دلیل دوری و مهاجوری از روح دوران معاصر نمی‌تواند نماینده اصلی جریان شعری باشد که آوانگاردیسم و مدرنیسم را مدنظر خود دارد. این دسته از منتقدان پیشنهاد دادند که به جای شهریار، اولی‌ها را برگزینیم و اولی‌ها کسانی هستند که در جامعه ادبی، به عنوان یک نماد برجسته از شعر و ادب شناخته می‌شوند و با سنجش میلیمتری می‌توان یکی از آن‌ها را انتخاب کرد.

گروه اول نمی‌دانستند که در تقویم رسمی ایرانیان، روزهای متعددی به نام شاعران طراز اول فارسی ثبت گردیده است: ۲۵ فروردین روز بزرگداشت عطار نیشابوری - اول اردیبهشت بزرگداشت سعدی - ۲۵ اردیبهشت بزرگداشت فردوسی - ۲۸ اردیبهشت بزرگداشت حکیم عمر خیام - ۸ مهر بزرگداشت مولوی - ۲۰ مهر بزرگداشت حافظ و...

گروه دوم نیز پاک از یاد برده بودند که روز شعر و ادب الزاماً در بردارنده‌ی مفهوم شعر معاصر و معرفی نوسرایان نیست بلکه برجسته کردن همه‌ی وجوه شعر فارسی است و دیوان سه جلدی شهریار این جامعیت را دارد تا نمایشگاه تنوع و ظرایف شعری و آئینه‌ی تمام‌نمای فرهنگ و هویت اصیل ایرانی معاصر باشد. گویی نمی‌دانستند که غزل - قصیده‌ی «علی ای همای رحمت» شهریار، شاخص مردمی بودن شعر اوست و منظومه‌ی ترکی «حیدربابایه سلام» مرزها را در نوردیده و به بیش از ۹۰ زبان زنده دنیا ترجمه شده است. حیدربابا نه تنها جریان‌ساز بلکه عامل وحدت ملی ایرانیان نیز بوده است، راستی چه رازی در این منظومه پنهان است که کودکان روستایی تا فرهیختگان دانشگاهی آن





باتشکر از روابط عمومی دانشگاه

مطالب مندرج در نشریه، فقط بیانگر دیدگاه های نویسندگان است. چشمه در چکیده سازی و ویرایش مطالب آزاد است. استفاده از مطالب نشریه، با ذکر منبع، مانعی ندارد

صاحب امتیاز: دفتر نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه تربیت مدرس
مدیرمسئول: حجت الاسلام دکتر علی فلاح رفیع
سر دبیر و دبیر تحریریه: مصطفی چراغی
مدیر اجرایی و ویراستار: سودابه شجاعی
محرر طرح: موسسه فرهنگی هنری کیمیای مهر معرفت

دوهفته نامه فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و خبری دانشگاه تربیت مدرس



سال ششم، شماره شصت و شش نیمه اول مهرماه ۱۳۹۷ سپتامبر ۲۰۱۸

چشمه



فقط آفرین!!
واقعا یعنی بروز میشه این فرهنگ نهادینه بشه؟ به نوبه ی ذره بین خدایوت.

میخوام بدونم یعنی اینکه توی این غرفه اییبنقدر شلوغه یعنی آیا واقعا گردش؟! آیا؟! خدا کنه همینی باشه که اینجایین ما که از خدامونه تربیت مدرس ی ها تفریح ((سالم و حلال)) داشته باشن.

خداییش از این قشنگ تر دیگه نمی تونستی این کانون رو به نمایش بذاری واقعا توجیه شدم.

وقتی که آهنگ ورودی ها شروع به نواختن می کند.



واقعا؟!
ابتکار به این میگن.

نامردا گلاشون رو میفروختن حالا چی میشد هدیه میدادین گل باشین و عمر گل نباشین.

ایشون از ورودی های جدید ۹۷ می باشند که مشخصه خیلی اهل مطالعه و با دقت هستند. سری به چشمه هم بزنید!

لطفا دیگه جدیدالورودهارو نترسونین که انگار دارن وارد سالن وحشت میشن همون روال قبلی خیلی بهتر بود.